

## مقاله‌ی پژوهشی

## ترکیب ابعاد دلبستگی همسران و رضایت زناشویی زوجین

پریسا نلیفروشان

استادیار گروه مشاوره، دانشکده‌ی علوم  
تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

\*علی‌نویدیان

دانشیار مرکز تحقیقات سلامت بارداری،  
دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

## خلاصه

**مقدمه:** نظریه‌ی دلبستگی بزرگسالان، نظریه‌ی مهمی برای روابط همسران و رضایت زناشویی آنان است. هدف پژوهش حاضر، بررسی رضایت زناشویی همسران با توجه به ابعاد اضطراب و اجتناب دلبستگی آنان بود.

**روش کار:** جامعه‌ی آماری این پژوهش همبستگی، زوج‌های شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ بودند که در همایش‌های خانوادگی و برنامه‌های آموزشی و تربیتی فرهنگ-سراهای این شهر شرکت نموده و حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته و در یک سال اخیر با رویدادهای تنش‌زا در زندگی مشترک مواجه نشده بودند. ۲۴۲ زوج به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از شاخص رضایت زناشویی (CSI) و پرسش‌نامه‌ی تجدید نظر شده‌ی تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از SPSS-18 و به کمک تحلیل خوشه‌ای، تحلیل واریانس تک‌متغیره و چندمتغیره و مدل معادله‌ی ساختاری تحلیل شد.

**یافته‌ها:** از نظر رضایت زناشویی هر دو همسر، چهار گروه همسران زن ناراضی، همسران درمانده، همسران راضی، و همسران سرزنده مشخص شدند که از نظر رضایت زناشویی زن و شوهر با یکدیگر تفاوت معنی‌دار داشتند ( $P < 0/001$ ). هم‌چنین گروه‌های چهارگانه‌ی همسران از نظر اضطراب ( $P < 0/001$ ) و اجتناب ( $P < 0/001$ ) دلبستگی زن و شوهر با یکدیگر تفاوت معنی‌داری داشتند. بررسی بر اساس مدل وابستگی متقابل خود-شریک، اثر خود و اثر همسر بر رضایت زناشویی زن و شوهر، مشخص نمود که هم در زن و هم در شوهر، ابعاد دلبستگی، رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد ( $P < 0/05$ ). هم‌چنین اجتناب دلبستگی همسر بر کاهش رضایت زناشویی فرد، تاثیر دارد ( $P < 0/01$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس سبک دلبستگی همسران می‌توان رضایت زناشویی آن‌ها را پیش‌بینی نمود. هم‌چنین رضایت زناشویی تحت تاثیر سیستم دلبستگی خود و همسر است.

**واژه‌های کلیدی:** اجتناب، اضطراب، دلبستگی، رضایت زناشویی

\*مؤلف مسئول:

مرکز تحقیقات سلامت بارداری، میدان  
مشاهیر، زاهدان، ایران

alinavidian@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۲/۲/۴

تاریخ تایید: ۹۲/۸/۷

## بی‌نوشت:

پژوهش حاضر با تایید کمیته‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان و بدون حمایت مالی نهاد خاصی و یا وجود تعارض منافع نویسندگان انجام شده است. از همکاری فرهنگ‌سراهای شهر اصفهان و مجریان برگزاری همایش‌های خانوادگی و زوجین شرکت‌کننده، قدردانی می‌گردد.

## Original Article

### Composition of spouses' attachment dimensions on marital satisfaction

---

#### Abstract

**Introduction:** Adult attachment theory is a determinant and important theory in marital relationships and marital satisfaction. The main purpose of this research was to study the marital satisfaction in regard to spouses' anxiety and avoidance attachment.

**Materials and Methods:** This research is a correlation one. The study population of this research was Isfahanian couples (2011) who were married at least more than one year and had no stressful events in their life up to the time of the study. 242 couples were selected through available method sampling. In this research, the Marital Satisfaction Index (CSI) and the Experiences in Close Relationships-Revised Questionnaire (ECR-R) were used for collecting data. The data was analyzed by SPSS-18 and using cluster analysis, ANOVA, MANOVA, and SEM.

**Results:** With regard to both spouses' marital satisfaction, four groups were identified: unsatisfied wife, devitalized spouses, satisfied spouses, and vitalized spouses. These groups were different in wife's and husband's marital satisfaction significantly ( $P < 0.001$ ). In addition these groups were different in wife's and husband's anxiety ( $P < 0.001$ ) and avoidance ( $P < 0.001$ ) attachment significantly. The self and partner effect on wife's and husband's marital satisfaction were studied based on actor-partner interdependence model. The results showed that in both wife and husband, attachment dimensions reduced the marital satisfaction ( $P < 0.05$ ). Also the partner's avoidance attachment reduced the marital satisfaction ( $P < 0.01$ ).

**Conclusion:** Marital satisfaction could predict based on spouses' attachment style. Marital satisfaction is affected by self and partner attachment system.

**Keywords:** Anxiety, Attachment, Avoidance, Marital satisfaction

---

Parisa Nilforooshan

Assistant professor of counseling,  
Faculty of Educational Sciences and  
Psychology, Isfahan University

\*Ali Navidian

Associate professor of Pregnancy Health  
Research Center, Zahedan University of  
Medical Sciences

**\*Corresponding Author:**

Pregnancy Health Research Center,  
Mashahir Sq., Zahedan, Iran  
alinavidian@gmail.com

Received: Apr. 24, 2013

Accepted: Oct. 29, 2013

#### Acknowledgement:

This study was approved by Research Committee of ? Isfahan University. No grant has supported this research and the authors had no conflict of interest with the results.

#### Vancouver referencing:

Nilforooshan P, Vavidian A. Composition of spouses' attachment dimensions on marital satisfaction. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2014; 16(3): 466-75.

## مقدمه

رضایت زناشویی<sup>۱</sup> یکی از متغیرهایی است که بیشترین تحقیقات در حیطه‌ی روابط زناشویی بر روی آن انجام شده و یکی از سازه‌های اصلی و کلیدی در حیطه‌ی زوج‌درمانی است که هم در پژوهش‌های بنیادین و هم در پیشینه‌ی مربوط به مداخلات زناشویی مورد توجه قرار گرفته است (۱،۲). منظور از رضایت زناشویی، نگرش ذهنی فرد راجع به رابطه‌ی زناشویی (۳) و احساس کلی از رابطه‌ی زناشویی است (۴،۵). رضایت زناشویی بعد مهمی از رضایت زندگی کلی فرد (۲) و از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و دستیابی به اهداف زندگی است (۶) و به زندگی بسیاری از بزرگسالان معنا می‌دهد (۳). تحقیقات نشان داده است که با کاهش رضایت زناشویی، کیفیت رابطه‌ی والد-فرزند کاهش یافته و احتمال طلاق افزایش می‌یابد (۷).

امروزه نظریه‌ی دلبستگی<sup>۲</sup> برای درک روابط عاشقانه‌ی بزرگسالان، از جمله روابط همسران، تبدیل به نظریه‌ی شاخص و مهمی شده است (۸). نظریه‌ی دلبستگی بزرگسالان در واقع، بسط نظریه‌ی دلبستگی بالبی و اینسورث<sup>۳</sup> است. این نظریه، تفاوت‌های فردی که از لحاظ شناخت، احساس و رفتار در بافت روابط نزدیک را تبیین می‌کند (۹-۱۱). از ۱۹۸۷ که این نظریه پیشنهاد شد بخش اعظمی از تحقیقات نشان داده‌اند که سبک دلبستگی<sup>۴</sup> به لحاظ نظری با فرایندهای ذهنی مربوط به روابط نزدیک، رفتارهای مشاهده شده در این روابط و پیامدهای چنین روابطی، چه ذهنی (مانند رضایت زناشویی) و چه عینی (مانند جدایی و طلاق) مرتبط است (۱۲). سبک‌های دلبستگی عبارت است از الگوهای انتظارات، نیازها، هیجانات و رفتار اجتماعی که ناشی از پیشینه‌ی خاص تجارب دلبستگی است و معمولاً در روابط با والدین آغاز می‌شود (۱۱). سبک دلبستگی فرد، نشان‌دهنده‌ی قابل دستیابی‌ترین الگوهای فعال<sup>۵</sup> و عملکرد معمول سیستم دلبستگی او در روابط خاص یا در تمام روابط است (۱۰).

هازن و شیور<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۷ در تدوین مقیاس خودسنجی برای سبک دلبستگی بزرگسالان، سه سبک دلبستگی ایمن<sup>۷</sup>، اجتنابی<sup>۸</sup> و اضطرابی<sup>۹</sup> را مشخص کردند. در سال‌های بعد مقیاس‌های مشابهی برای افزایش دقت سنجش دلبستگی بزرگسالان تهیه شد (۱۳). به تدریج مشخص شد که دو بعد نایمنی، زیربنای تمام مقیاس‌های خودسنجی دلبستگی است: اجتناب (از صمیمیت، وابستگی و ابراز هیجانی) و اضطراب (از جدایی، طرد، یا دوست‌داشتنی نبودن). بعد اجتناب مرتبط با دلبستگی به احساس ناراحتی از نزدیکی و وابستگی متقابل، ترجیح فاصله‌ی هیجانی، استقلال، خوداتکایی و استفاده از راهبردهای نافع‌سازی برای مقابله با نایمنی و آشفتگی اشاره دارد. بعد اضطراب مرتبط با دلبستگی، به تمایل شدید برای نزدیکی و محافظت شدن، نگرانی‌های شدید در مورد در دسترس نبودن شریک و ارزش شخصی خود یا شریک و استفاده از راهبردهای بیش‌فعال‌سازی برای مقابله با نایمنی و آشفتگی اشاره می‌کند (۱۱-۹،۱۴). از ترکیب این دو بعد می‌توان چهار سبک دلبستگی را در یک فضای دو بعدی مشخص کرد. افرادی که اضطراب و اجتناب دلبستگی آن‌ها اندک است ایمن هستند. کسانی که اضطراب و اجتناب دلبستگی در آن‌ها زیاد است دل‌نگران<sup>۱۱</sup> نامیده می‌شوند و افراد با اجتناب دلبستگی بالا و اضطراب دلبستگی پایین، اجتنابی بی‌تفاوت<sup>۱۱</sup> نامیده می‌شوند. در نهایت به کسانی که اضطراب دلبستگی بالا و اجتناب دلبستگی پایین دارند اجتنابی بیمناک<sup>۱۲</sup> اطلاق می‌شود (۱۱، ۱۰). البته بسیاری از افراد با این سبک‌ها به طور کامل منطبق نیستند. به عبارتی جنبه‌هایی از چند سبک را دارا بوده و بیش از یک مجموعه از الگوهای رفتاری را در خزانه‌ی رفتاری خود دارند (۱۵).

پژوهش‌های متعددی به ویژگی‌های دلبستگی هر دو همسر و ترکیب منحصر به فرد آن‌ها اشاره داشته‌اند. تحقیقات نشان داده که همسرانی که هر دوی آن‌ها ایمن هستند، رضایت

<sup>۶</sup>Hazan and Shaver<sup>۷</sup>Secure<sup>۸</sup>Avoidance<sup>۹</sup>Anxious<sup>۱۰</sup>Preoccupied<sup>۱۱</sup>Dismissing Avoidant<sup>۱۲</sup>Fearful Avoidant<sup>۱</sup>Marital Satisfaction<sup>۲</sup>Attachment Theory<sup>۳</sup>Bowlby and Ainsworth<sup>۴</sup>Attachment Style<sup>۵</sup>Working Models

زناشویی بیشتری داشته (۱۶)، مهارت‌های ارتباطی بهتری دارند (۱۷)، انسجام و انعطاف بالاتری گزارش داده (۱۸) و بیشترین سطح سازگاری را نشان می‌دهند (۱۹). در مقابل افرادی که کمتر ایمن هستند خواه اضطرابی، اجتنابی، یا هر دو، عموماً در روابط نامزدی خود رضایت کمتری را گزارش می‌دهند (۱۲).

پویایی‌های سیستم دلبستگی در بزرگسالان (۱۰، ۱۱) نزدیک‌تر است که در آن مفاهیم بیش‌فعال‌سازی و نافع‌سازی سیستم دلبستگی به عنوان رکن اساسی در نظر گرفته شده است. همان‌طور که اشاره گردید بر اساس ابعاد دلبستگی چهار سبک دلبستگی نیز قابل تشخیص است.

هدف این پژوهش بررسی تاثیر ابعاد دلبستگی هر یک از همسران بر رضایت زناشویی خود و همسرش است. از آن‌جا که در این پژوهش هر دو همسر مد نظر قرار می‌گیرد، واحد تحلیل، زوج<sup>۶</sup> است. متداول‌ترین روش برای تحلیل‌های زوجی، مدل وابستگی متقابل خود - شریک<sup>۷</sup> (APIM) است که در مورد زوج‌هایی به کار می‌رود که در آن دو فرد با یکدیگر در تعامل هستند (۲۶). بر اساس این مدل می‌توان مشخص کرد که آیا نمرات فرد در متغیر پیش‌بینی‌کننده با متغیر نهایی مربوط به او مرتبط است (اثر خود). هم‌چنین می‌توان بررسی نمود که آیا نمرات فرد در متغیر پیش‌بینی‌کننده با متغیر نهایی مربوط به شریک او مرتبط است (اثر شریک). به عبارت دیگر هدف آن است که مشخص گردد که اضطراب و اجتناب دلبستگی زن، چگونه بر رضایت زناشویی او و شوهرش اثر می‌گذارد.

به گفته‌ی نوفل<sup>۱</sup> و شیور، میکلینکر<sup>۲</sup> و شیور، وینگارزدومیچ<sup>۳</sup> و همکاران، الگوهای دلبستگی بزرگسالان در شکل دو بعدی بهتر مفهوم‌سازی می‌شوند (۱۱، ۱۲، ۲۰). به طور کلی اندازه‌های چند بعدی<sup>۴</sup> دقیق‌تر و رواتر از اندازه‌های طبقه‌ای<sup>۵</sup> است. بسیاری از مشکلاتی که در الگوهای طبقه‌ای ایجاد می‌شود در سنجش دو بعدی وجود ندارد. سنجش طبقه‌ای اطلاعاتی را در مورد تفاوت‌های فردی در این طبقات فراهم می‌کند. نمره‌گذاری پیوستاری بر نمره‌گذاری طبقه‌ای ترجیح داده می‌شود زیرا امکان تحلیل‌های آماری قوی‌تر مانند رگرسیون به جای تحلیل واریانس را فراهم می‌کند.

هم‌چنین بررسی شود که اضطراب و اجتناب دلبستگی شوهر، چگونه بر رضایت زناشویی او و همسرش اثر می‌گذارد.

رابطه‌ی سبک دلبستگی و ارتباط زناشویی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران داخلی از جمله رجایی و همکاران، رسولی و فرحبخش و نیز حافظی و جامعی‌نژاد بوده است (۲۱-۲۳). با این حال بسیاری از این پژوهش‌ها تنها یکی از همسران را مورد بررسی قرار داده‌اند. البته برخی پژوهشگران مانند مظاهری، رضازاده و همکاران و عیدی و خانجانی سبک دلبستگی هر دو همسر را مورد توجه قرار داده‌اند (۱۹، ۲۴، ۲۵). با این حال باید اشاره داشت که در تمام این پژوهش‌ها دلبستگی افراد به صورت طبقات سبک دلبستگی بررسی شده است در حالی که همان‌طور که گفته شد یکی از مباحث مطرح، مفهوم‌سازی ابعاد اضطراب و اجتناب دلبستگی است که دقیق‌تر از سنجش طبقه‌ای است. این شیوه‌ی مفهوم‌سازی به مدل عملکرد و

### روش کار

در این پژوهش از نوع همبستگی جامعه آماری شامل زوج-های شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ بودند که در همایش‌های خانوادگی و برنامه‌های آموزشی و تربیتی فرهنگ‌سراهای این شهر شرکت نموده و حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته و در یک سال اخیر با رویدادهای تنش‌زا در زندگی مشترک مواجه نشده بودند. انتخاب این جامعه از آن جهت بود که اثر ماه عسل<sup>۸</sup> بر رضایت زناشویی کنترل شود زیرا فرض بر آن بود که در ابتدای ازدواج، میزان رضایت زناشویی بالا است (۷، ۲۷). هم‌چنین با تعیین این جامعه، هر نوع اثر رویدادهای تنش‌زا بر رضایت زناشویی کنترل گردید زیرا این گونه

<sup>1</sup>Noftle

<sup>2</sup>Mikulincer

<sup>3</sup>Wijngaards-de Meij

<sup>4</sup>Multidimensional

<sup>5</sup>Categorical

<sup>6</sup>Dyad

<sup>7</sup>Actor- Partner Interdependence Model

<sup>8</sup>Honeymoon Effect

معرفی کرده‌اند. فرم ۱۶ ستوایی، شامل گزاره‌های ۱، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱ و ۳۲ است. فرم ۴ ستوایی، شامل گزاره‌های ۱، ۱۲، ۱۹ و ۲۲ است. این دو معتقدند که فرم ۳۲ آئمی برای مطالعات مداخله‌ای زناشویی مناسب است زیرا این گونه تحقیقات به دقت بالایی نیاز دارند و برای پیمایش می‌توان از فرم‌های کوتاه آن استفاده کرد.

ایشان برای بررسی روایی همگرای شاخص رضایت زناشویی از مقیاس‌های دیگری استفاده کردند و نتایج نشان داد که CSI روایی همگرای بالایی با سایر مقیاس‌های رضایت زناشویی دارد. در پژوهش حاضر، پس از ترجمه، به منظور بررسی روایی همگرای فرم بلند شاخص رضایت زناشویی، هم‌زمان، مقیاس صمیمیت<sup>۳</sup> (IS) (۳۰)، و مقیاس سازگاری زناشویی<sup>۴</sup> (DAS) (۳۰) اجرا شد. ضریب همبستگی CSI با مقیاس صمیمیت ۰/۷۶ و با مقیاس سازگاری زناشویی ۰/۸۹ به دست آمد که هر دو در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود. همچنین به منظور بررسی روایی واگرایی شاخص رضایت زناشویی، هم‌زمان شاخص بی‌ثباتی ازدواج<sup>۵</sup> (MI) (۳۰) اجرا گردید. ضریب همبستگی CSI با این پرسش‌نامه ۰/۶۱ به دست آمد که در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود.

در پژوهش حاضر، در یک مطالعه‌ی مقدماتی بر روی داده‌های حاصل از ۱۳۸ نفر (۶۹ زوج)، تحلیل مولفه‌های اصلی<sup>۶</sup> (PCA) که رایج‌ترین شکل تحلیل عامل اکتشافی است (۳۱) انجام شد. به این ترتیب دو عامل بدست آمد که مقدار ویژه برای عامل اول ۱۶/۶۹ بود که تقریباً ۸ برابر بزرگتر از مقدار ویژه برای عامل دوم (۲/۰۳) بود. این یافته نشان می‌دهد که شاخص رضایت زناشویی تک‌بعدی<sup>۷</sup> است.

فانک و راگ، ضریب آلفای کرونباخ را برای فرم ۳۲ ستوایی ۰/۹۸، برای فرم ۱۶ ستوایی ۰/۹۸ و برای فرم ۴ ستوایی ۰/۹۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی در یک مطالعه‌ی مقدماتی داده‌های ۱۳۸ نفر (۶۹ زوج) بررسی شده و ضریب آلفای کرونباخ برای فرم ۳۲ ستوایی ۰/۹۶، برای

رویدادها می‌تواند تاثیرات متفاوتی بر رابطه‌ی زناشویی داشته باشد (۴). بر اساس الگوهای تنش خانواده، بی‌کاری، ورشکستگی، مشکلات شدید اقتصادی، ناباروری، مرگ فرزند، از دست دادن یا بیماری والدین هر یک از همسران، بیماری حاد هر یک از همسران، کشف روابط فرازناشویی، سوءاستفاده از اعضای خانواده، مهاجرت و حوادث غیرمنتظره به عنوان رویدادهای تنش‌زا در نظر گرفته شد (۲۸، ۲۹). از این جامعه، نمونه‌ای با حجم ۴۸۴ نفر (۲۴۲ زوج) به روش نمونه‌گیری در دسترس (بدون هیچ گونه سوگیری و هدف‌مندی) انتخاب شد. به ازای هر متغیر آشکار مدل معادله‌ی ساختاری ۱۵ نفر (۲۶ متغیر در ۱۵ نفر) در مجموع ۳۹۰ نفر و به خاطر وجود تعداد کافی در خوشه‌ها، ۱۰۰ نفر بیشتر از میزان یاد شده انتخاب شدند که از این تعداد، ۶ پرسش‌نامه‌ی ناقص حذف و ۴۸۴ پرسش‌نامه‌ی تکمیل شده باقی ماند. ضریب هولتر که در بخش یافته‌ها به آن اشاره خواهد شد، کفایت حجم نمونه را تایید می‌کند.

در این پژوهش از شاخص رضایت زناشویی<sup>۱</sup> (CSI) که توسط فانک و راگ<sup>۲</sup> برای سنجش رضایت زناشویی تدوین شده، استفاده گردید. این محققان ابزارهای مختلف را بررسی نموده و به مقیاس جدیدی دست یافتند که در ضمن مختصر بودن، دقت و قدرت آن برای یافتن تفاوت‌ها در سطوح مختلف رضایت، بیشتر از سایر مقیاس‌های رضایت زناشویی است. مزیت دیگر این مقیاس بر سایر ابزارها این است که رضایت زناشویی را تقریباً مستقل از مهارت‌های ارتباطی می‌سنجد (۱).

این پرسش‌نامه دارای ۳۲ گزاره است که با طیف لیکرت ۶ درجه‌ای تنظیم شده است. تنها گزاره‌ی اول که میزان شادمانی در رابطه را می‌سنجد طیف ۷ درجه‌ای دارد. در بخش پایانی از آزمودنی خواسته شده است که برای توصیف رابطه از صفات جفتی با طیف لیکرت ۶ درجه‌ای استفاده کند. فانک و راگ، گزاره‌هایی که بیشترین میزان اطلاعات برای سنجش رضایت از رابطه را فراهم می‌کنند مشخص نموده و دو فرم کوتاه

<sup>3</sup>Intimacy Scale

<sup>4</sup>Dyadic Adjustment Scale

<sup>5</sup>Marital Instability Index

<sup>6</sup>Principal-Components Analysis

<sup>7</sup>Unidimensional

<sup>1</sup>Couples Satisfaction Index

<sup>2</sup>Funk and Rogge

بازآزمایی سه هفته‌ای، ضریب پایایی مقیاس اضطراب را ۰/۹۲ و ضریب پایایی مقیاس اجتناب را ۰/۹۰ را گزارش نمودند (۳۳). در پژوهش حاضر بر روی ۴۰ نفر (۲۰ زوج) بازآزمایی سه هفته‌ای اجرا شد و ضریب پایایی ۰/۹۱ برای مقیاس اضطراب و ضریب ۰/۹۳ برای مقیاس اجتناب به دست آمد.

فرچایلد و فینی نشان دادند که هر یک از مقیاس‌های اضطراب و اجتناب از همسانی درونی بالایی برخوردارند به طوری که ضریب آلفا برای مقیاس اضطراب، ۰/۹۱۷ و برای مقیاس اجتناب، ۰/۹۲۷ بوده است (۳۴). بطلانی همسانی درونی را برای مقیاس اضطراب ۰/۹۲ و برای مقیاس اجتناب ۰/۹۱ گزارش کرده است (۳۵). در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی برای اضطراب و اجتناب دل‌بستگی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۹ به دست آمد.

با مراجعه به محل‌های برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌های خانوادگی در فرهنگ‌سراها وابسته به شهرداری اصفهان و با کسب اجازه و اخذ رضایت شفاهی و تاکید بر محرمانه ماندن اطلاعات شخصی و نیز عدم درج نام و نام خانوادگی زوجین در پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات جمع‌آوری گردید. اطلاعات وارده به رایانه به کمک نرم‌افزار SPSS-18 و آزمون‌های آماری آنووا، مانووا و مدل معادله‌ی ساختاری تحلیل گردیدند.

### نتایج

در این مطالعه بر روی ۴۸۴ نفر از زوجین، مشخصات جمعیت‌شناختی به این صورت بود: میانگین سن نمونه‌ها ۳۳/۴۷±۸/۶۵ سال، میانگین سنی آقایان ۳۵/۷۲±۸/۸۲ سال و میانگین سنی خانم‌ها ۳۱/۲۰±۷/۸۶ سال بود. میانگین طول مدت ازدواج ۱۰/۴۳±۸/۸۴ سال و میانگین تعداد فرزندان ۱/۲۸±۱/۲۶ بود.

طبق جدول ۱ با استفاده از تحلیل خوشه‌ای، چهار خوشه‌ی همسران تحت عنوان گروه زن ناراضی، همسران درمانده، همسران راضی و همسران سرزنده، شناسایی و نام‌گذاری گردیدند. تفاوت میانگین رضایت زناشویی زنان و شوهران در این گروه‌ها از طریق تحلیل آنووا بررسی شد. با رعایت پیش‌فرض‌ها، نتایج نشان داد که بین این چهار گروه از نظر میزان رضایت زن و شوهر تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرم ۱۶ سئوالی ۰/۹۷ و برای فرم ۴ سئوالی ۰/۹۱ به دست آمد. ثبات شاخص رضایت زناشویی از طریق روش بازآزمایی سه هفته‌ای بر روی ۳۲ آزمودنی (۱۶ زوج) بررسی شد. ضریب بازآزمایی برای فرم ۳۲ سئوالی ۰/۹۲، برای فرم ۱۶ سئوالی ۰/۹۲ و برای فرم ۴ سئوالی ۰/۸۶ به دست آمد.

در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه‌ی تجدید نظر شده‌ی تجارب در روابط نزدیک<sup>۱</sup> (ECR-R) (۳۲) نیز استفاده شد. ECR-R که پرسش‌نامه‌ای ۳۶ آیتمی در مورد دل‌بستگی بزرگسالان است برای هر یک از ابعاد اضطراب و اجتناب دارای ۱۸ آیتم می‌باشد. آیتم‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً مخالف تا ۷=کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. آیتم‌های ۱ تا ۱۸ به مقیاس اضطراب و ۱۹ تا ۳۶ به مقیاس اجتناب مربوط است. با محاسبه‌ی میانگین نمرات ۱۸ آیتم در هر بعد می‌توان به نمره‌ی ابعاد اضطراب و اجتناب دست یافت. به این ترتیب حداقل نمره‌ی اضطراب و اجتناب مرتبط با دل‌بستگی ۱ و حداکثر ۷ است. نمرات بالاتر، نشان‌دهنده‌ی سطح بیشتر اضطراب و اجتناب هستند. از نمره‌ی میانگین این ابعاد می‌توان برای طبقه‌بندی آزمودنی‌ها در طبقات چهارگانه‌ی دل‌بستگی استفاده کرد.

فریلی<sup>۲</sup> و همکاران، سیبلی، فیشر و لیو<sup>۳</sup> و فرچایلد و فینی<sup>۴</sup> در در بررسی ساختار عاملی این پرسش‌نامه به دو عامل مرتبه‌ی اول مجزا و مرتبط اضطراب و اجتناب دست یافتند که با مبانی نظری مطابق بود (۳۴-۳۲). در این پژوهش نیز آیتم‌های هر مقیاس به طور تصادفی به شش گروه سه‌تایی تقسیم و هر یک از آن‌ها به عنوان یک متغیر آشکار در نظر گرفته شد و مدل دو عاملی مرتبه‌ی اول بررسی و تایید شد.

تحقیقات نشان داده که مقیاس‌های اضطراب و اجتناب ECR-R از ثبات بالایی برخوردار است به طوری که فریلی و همکاران با استفاده از روش بازآزمایی، ضریب پایایی ۰/۹۴ را برای مقیاس اضطراب و ضریب پایایی ۰/۹۵ را برای مقیاس اجتناب گزارش کردند (۳۲). سیبلی و همکاران نیز با

<sup>۱</sup>Experiences in Close Relationships- Revised Questionnaire

<sup>۲</sup>Fraley

<sup>۳</sup>Sibley, Fischer and Liu

<sup>۴</sup>Fairchild and Finney

رضایت زناشویی زنان در گروه‌های زن ناراضی و همسران درمانده، تفاوت معنی‌داری ندارد. نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که بین رضایت زناشویی مردان در هر چهار گروه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ( $P < 0/0001$ ) به طوری که شوهران در گروه سرزنده بیشترین و در گروه همسران درمانده، کمترین رضایت زناشویی را دارند.

به منظور بررسی محل تفاوت گروه‌ها، آزمون تعقیبی شفه انجام شد. نتایج این آزمون نشان داد که رضایت زناشویی زنان در گروه همسران سرزنده به طور معنی‌داری بیشتر از سه گروه دیگر است ( $P < 0/0001$ ). هم‌چنین رضایت زناشویی زنان در گروه همسران راضی از گروه‌های همسران درمانده و زن ناراضی به طور معنی‌داری بیشتر است ( $P < 0/0001$ ) ولی

**جدول ۱- مراکز خوشه‌های همسران بر اساس میزان رضایت زناشویی هر یک از همسران و نتایج تحلیل آن‌ها**

متغیر	مراکز خوشه				میانگین مجدورات	درجه‌ی آزادی	F	سطح معنی‌داری	توان آماري
	خوشه‌ی ۱ (۳۷ نفر) زن ناراضی	خوشه‌ی ۲ (۳۷ نفر) همسران درمانده	خوشه‌ی ۳ (۶۴ نفر) همسران راضی	خوشه‌ی ۴ (۱۰۴ نفر) همسران سرزنده					
رضایت زناشویی زن	۸۵/۴۱	۸۶/۶۲	۱۲۳/۰۲	۱۴۱/۷۴	۴۵۰۷۵/۰۱	۳	۲۰۳/۰۸	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰
انحراف معیار	۱۹/۲۵	۱۸/۳۶	۱۲/۶۰	۱۲/۹۸					
رضایت زناشویی مرد	۱۲۴/۵۱	۷۹/۰۸	۱۱۴/۷۰	۱۴۳/۳۲	۳۹۵۹۶/۱۴	۳	۲۵۸/۶۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰
انحراف معیار	۱۵/۴۶	۱۵/۶۸	۱۲/۳۹	۹/۵۱					

گروه‌های همسران درمانده از نظر اضطراب دل‌بستگی شوهر، تفاوت معنی‌داری نداشت ( $P = 0/08$ ). نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که اجتناب دل‌بستگی شوهر در گروه همسران سرزنده به طور معنی‌داری از سه گروه دیگر کمتر است ( $P < 0/0001$ ). به علاوه اجتناب دل‌بستگی شوهر در گروه همسران درمانده به شکل معنی‌داری بیشتر از گروه‌های همسران راضی و زن ناراضی است ( $P < 0/0001$ ) ولی بین اجتناب دل‌بستگی شوهر در گروه‌های زن ناراضی و همسران راضی تفاوت معنی‌داری یافت نشد ( $P = 0/64$ ). به طور کلی با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲ و نتایج آزمون‌های تعقیبی می‌توان گفت همسران سرزنده گروهی هستند که نمره‌ی اضطراب و اجتناب دل‌بستگی هم زن و هم شوهر به طور معنی‌داری کمتر از گروه‌های دیگر است. در گروه همسران راضی، اضطراب دل‌بستگی زنان بالا و اجتناب دل‌بستگی آن‌ها پایین اما هم اضطراب و هم اجتناب دل‌بستگی شوهران، پایین است. در گروه زن ناراضی، اضطراب و اجتناب دل‌بستگی زنان بالا ولی هم اضطراب و هم اجتناب دل‌بستگی شوهران، پایین است. در گروه همسران درمانده، اضطراب و اجتناب دل‌بستگی در هر دو همسر بالا است.

جدول ۲ میانگین اضطراب و اجتناب دل‌بستگی زن و شوهر را در این چهار گروه از همسران نشان می‌دهد. با رعایت پیش‌فرض‌ها، تفاوت این چهار گروه از نظر ابعاد دل‌بستگی همسران با استفاده از تحلیل مانووا بررسی شد. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، گروه‌های چهارگانه‌ی همسران از نظر اضطراب و اجتناب دل‌بستگی زن و شوهر با یکدیگر در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ تفاوت معنی‌دار دارند ولی از نظر طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان، تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. از سویی دیگر اجتناب دل‌بستگی زن در گروه‌های همسران سرزنده و همسران راضی به طور معنی‌داری کمتر از گروه‌های زن ناراضی و همسران درمانده است ( $P < 0/0001$ ). این در حالی است که گروه‌های زن ناراضی و همسران درمانده و هم‌چنین گروه‌های همسران راضی و همسران سرزنده از نظر اجتناب دل‌بستگی زن، تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند. به علاوه نتایج آزمون تعقیبی نشان داد که میزان اضطراب دل‌بستگی شوهر در گروه همسران سرزنده به طور معنی‌داری کمتر از سه گروه دیگر ( $P < 0/01$ ) و اضطراب دل‌بستگی شوهر در گروه همسران راضی نسبت به گروه همسران درمانده تفاوت معنی‌داری دارد ( $P < 0/01$ ). البته گروه زن ناراضی با



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۲- میانگین ابعاد دلبستگی زن و شوهر در گروه‌های چهارگانه‌ی همسران و نتایج تحلیل مانووا

متغیر	زن ناراضی	همسران درمانده	همسران راضی	همسران سرزنده	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	توان آماری
اضطراب زن	۳/۷۴	۳/۸۸	۳/۴۴	۲/۷۷	۴۶/۳۰	۳	۱۶/۶۳	۱۷/۴۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰
اجتناب زن	۳/۰۰	۲/۹۶	۲/۰۷	۱/۸۱	۶۱/۷۳	۳	۲۰/۶۰	۳۶/۴۰	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰
اضطراب شوهر	۳/۴۳	۳/۷۸	۳/۰۹	۲/۶۴	۴۲/۸۹	۳	۱۴/۲۵	۱۹/۴۴	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰
اجتناب شوهر	۲/۵۳	۳/۴۶	۲/۷۰	۱/۹۷	۶۴/۱۵	۳	۲۱/۷۷	۴۱/۲۱	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰
طول مدت ازدواج	۱۰/۸۲	۱۰/۳۱	۱۰/۱۹	۱۰/۷۱	۱۵/۳۳	۳	۵/۱۱	۰/۰۶	۰/۹۷	۰/۰۶
تعداد فرزند	۱/۳۷	۱/۳۵	۱/۱۹	۱/۳۲	۱/۱۱۳	۳	۰/۳۷	۰/۲۳	۰/۸۷	۰/۰۹

به منظور بررسی تاثیر ابعاد دلبستگی هر یک از همسران بر رضایت زناشویی خود و همسرش از مدل معادله‌ی ساختاری استفاده شد. همان طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود ابعاد دلبستگی هر یک از همسران به عنوان متغیرهای مکنون برون‌زا در نظر گرفته شده است. رضایت زناشویی هر یک از همسران نیز به عنوان متغیرهای آشکار درون‌زا منظور گردیده است.

شاخص‌های کلی برازش برای این مدل در جدول ۳ گزارش شده است. شاخص‌های کلی برازش وضعیت مطلوبی را برای مدل مفروض نشان می‌دهد. مقدار مجذور خی (CMIN) برای این مدل، معنی‌دار است. مقدار مجذور خی نسبی (CMIN/DF) (۱/۹۲) حاکی از آن است که مدل به طور کلی قابل قبول است. مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های تطبیقی به معنی توان مدل در فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده است (۳۶). مقادیر شاخص‌های توکر لوئیس<sup>۱</sup> (TLI) و برازش تطبیقی<sup>۲</sup> (CFI) (۰/۹۰ و ۰/۹۲) از ۰/۹ بالاتر است و نشان می‌دهد که مدل با داده‌ها مطابقت دارد. مقدار شاخص برازش مقتصد هنجار شده<sup>۳</sup> (PNFI) و شاخص نیکویی برازش مقتصد<sup>۴</sup> (PGFI) (۰/۶۸ و ۰/۷۴) نشان می‌دهد که اقتصاد مدل رعایت شده است. مقدار ۰/۰۶ برای شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد<sup>۵</sup> (RMSEA) گویای آن است که مدل با داده‌ها به خوبی برازش یافته و این مدل، تایید می‌گردد. این شاخص که با ترکیبی از خصایص شاخص‌های

مطلق، شاخص‌های مقتصد و حجم نمونه محاسبه می‌شود یکی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش مدل محسوب می‌گردد که دارای نقطه‌ی برش ۰/۰۵ است و مقدار حداکثر آن ۰/۰۸ در نظر گرفته شده است (۳۶). از سویی دیگر مقدار ضریب هولتر در سطح ۰/۰۵، حجم نمونه‌ی ۱۴۴ نفر را برای بررسی این مدل کافی نشان داد. به این ترتیب کفایت حجم نمونه این پژوهش تایید می‌گردد.

هم‌چنین بر اساس نتایج، این مدل توانسته است ۵۷ درصد واریانس رضایت زناشویی زن و ۵۸ درصد رضایت زناشویی مرد را تبیین نماید.

### بحث

از نظر رضایت زناشویی هر دو همسر در این مطالعه، چهار گروه از همسران مشخص شدند. این یافته با یافته‌ی نیلفروشان، هم‌خوان بود (۳۷). نتایج نشان داد که این گروه‌ها از نظر رضایت زناشویی زن و شوهر با یکدیگر تفاوت دارند.

این گروه‌ها به این ترتیب نام‌گذاری شدند: ۱- گروه زن ناراضی که زن از زندگی زناشویی خود ناراضی ولی شوهر از زندگی زناشویی خود راضی بود، ۲- گروه همسران درمانده که هم زن و هم شوهر از زندگی زناشویی خود ناراضی بودند، ۳- گروه همسران راضی که هم زن و هم شوهر از زندگی زناشویی خود راضی بودند و ۴- گروه همسران سرزنده که هم زن و هم شوهر از زندگی زناشویی خود بسیار راضی بودند.

گروه‌های چهارگانه‌ی همسران از نظر اضطراب و اجتناب دلبستگی زن و شوهر با یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارند در حالی که از نظر طول مدت ازدواج و تعداد فرزند، تفاوتی بین این گروه‌ها وجود ندارد.

<sup>1</sup>Tucker-Lewis Index

<sup>2</sup>Comparative Fit Index

<sup>3</sup>Parsimonious Normed Fit Index

<sup>4</sup>Parsimonious Goodness-of-Fit Index

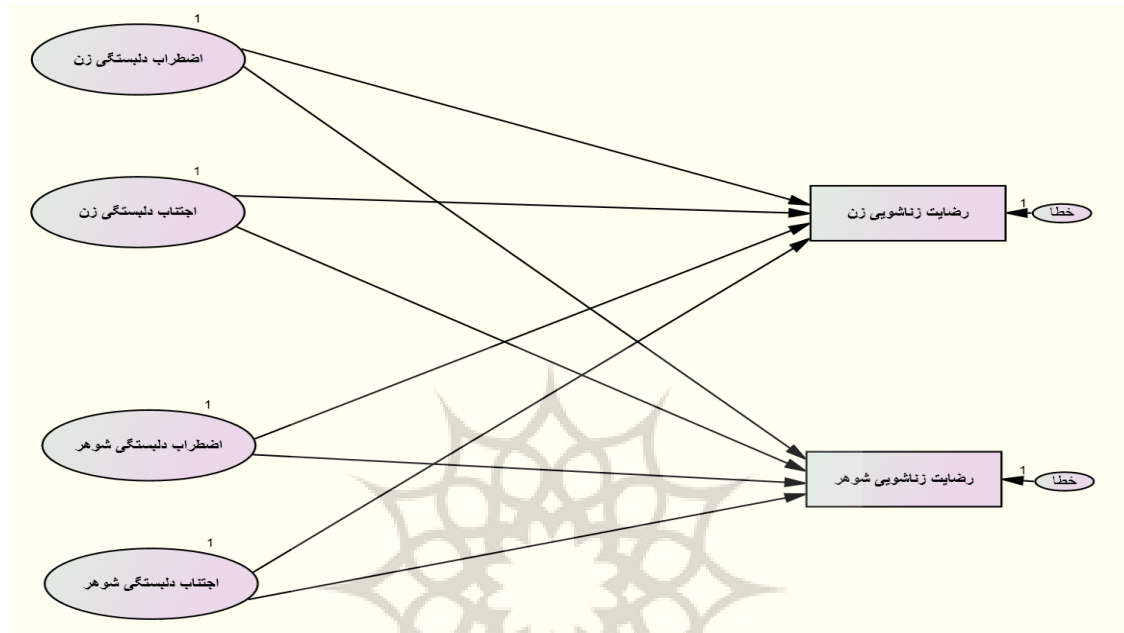
<sup>5</sup>Root Mean Squared Error of Approximation



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی  
پرتال جامع علومو انسانی

**جدول ۳- شاخص‌های کلی برازش برای مدل اثر ابعاد دل‌بستگی خود و همسر بر رضایت زناشویی**

شاخص‌های کلی برازش								
مقتصد			تطبیقی			مطلق		
RMSEA	PGFI	PNFI	CMIN/DF	CFI	TLI	P	DF	CMIN
۰/۰۶	۰/۷۴	۰/۶۸	۱/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۰۰۰۱	۲۶۴	۵۰۷/۶۱



**شکل ۱- مدل اثر ابعاد دل‌بستگی خود و همسر بر رضایت زناشویی**

مدت رابطه و تعداد فرزند می‌تواند با عوامل موثر بر رضایت زناشویی از جمله شخصیت یا دل‌بستگی همسران تعامل داشته باشد (۱۲، ۲۷) و به همین دلیل باید در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گیرند. این که در این زمینه نتایج این پژوهش با برخی پژوهش‌های دیگر هم‌خوان نیست می‌تواند به دو دلیل باشد. اول آن که در بسیاری از پژوهش‌ها رابطه‌ی رضایت زناشویی با طول مدت ازدواج و تعداد فرزند بدون حضور متغیرهای مهم دیگر بررسی شده و به همین دلیل رابطه‌ی معنی‌داری به دست آمده است. دوم آن که در پژوهش حاضر، عامل ماه عسل کنترل شد و جامعه‌ی پژوهش شامل همسرانی بود که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد. شاید به همین دلیل رابطه‌ی معنی‌داری بین رضایت زناشویی و طول مدت ازدواج به دست نیامده است. نتایج نشان داد گروه همسران سرزننده گروهی هستند که نمره‌ی اضطراب و اجتناب دل‌بستگی زن و

بر این اساس می‌توان گفت که چون مبنای طبقه‌بندی این گروه‌ها رضایت زناشویی زن و شوهر بوده و از نظر طول مدت ازدواج و تعداد فرزند تفاوتی با یکدیگر ندارند، پس طول مدت ازدواج و تعداد فرزند با رضایت زناشویی همسران، رابطه‌ی چندانی ندارد. این یافته با دیدگاه برادبری<sup>۱</sup> و همکاران که معتقدند کیفیت رابطه‌ی زناشویی در ۱۰ سال اول زندگی کاهش یافته و بعد نیز به تدریج کاهش می‌یابد و نیز نتایج زمانی مفرد، شبانی حصار و عطاری و همکاران، هم‌خوان نیست (۳۸-۴۰، ۲۷). از طرف دیگر نیلفروشان نشان داد که طول مدت ازدواج و تعداد فرزند در حضور دیگر متغیرهایی چون دل‌بستگی، اسنادهای ارتباطی و هیجانات نمی‌تواند بر کیفیت رابطه‌ی زناشویی تاثیر داشته باشد (۳۷). همان طور که نوفل و شیور و برادبری و همکاران نیز عنوان می‌کنند طول

<sup>۱</sup>Bradbury

نگران باشد (۹،۱۴) بلکه از نزدیکی و وابستگی به شوهر نیز احساس ناراحتی کرده و فاصله‌ی هیجانی را ترجیح دهد (۱۰،۱۱) یعنی این که به نزدیکی و صمیمیت، تمایل نشان می‌دهد ولی در عمل از نزدیک شدن و صمیمیت فاصله می‌گیرد زیرا از طرد شدن یا ترک شدن می‌ترسد. در نتیجه با آن که شوهر او ایمن است از زندگی زناشویی احساس ناراضی می‌کند. اگر در هر دو همسر، اضطراب و اجتناب همراه با هم بالا باشد، این حالت به طور متقابل وجود خواهد داشت و هیچ یک برای دیگری در دسترس و پاسخگو نیست و نیازهای دلبستگی طرف مقابل را برآورده نمی‌کند. در نتیجه رضایت زناشویی آن‌ها کاهش یافته و در گروه همسران درمانده قرار می‌گیرند. بن‌آری و لاوی نیز نشان دادند که در زوج‌هایی که هر دو اجتنابی بیمناک هستند، کیفیت رابطه پایین‌تری در هر دو همسر گزارش می‌گردد (۴۲) به گفته‌ی شن و شیور بالا بودن اضطراب دلبستگی در هر دو همسر، جنگ قدرت و آشفتگی‌های هیجانی و عاطفی را در رابطه‌ی آن‌ها افزایش داده و عملکردشان را تضعیف می‌کند (۱۳). به طور کلی این یافته‌ها در پیش‌بینی میزان رضایت زناشویی همسران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد به گونه‌ای که با بررسی میزان اضطراب و اجتناب دلبستگی همسران یا افرادی که در مرحله‌ی پیش از ازدواج هستند می‌توان پیش‌بینی نمود که به کدام گروه از همسران تعلق داشته یا خواهند داشت. نکته‌ی جالب توجه آن که به گفته‌ی جانسون<sup>۳</sup>، همسران افراد ناایمن، رضایت زناشویی کمتری را گزارش می‌دهند (۴۱). در پژوهش حاضر نیز در سه گروه همسران راضی، زن ناراضی و درمانده، سبک دلبستگی زن به سبک ناایمن نزدیک‌تر بود و همان‌طور که ملاحظه شد رضایت زناشویی شوهران آن‌ها به طور معنی‌داری کمتر از همسران سرزنده بود. از طرف دیگر همسران افراد ایمن، رضایت زناشویی بیشتری گزارش می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد که رضایت زناشویی زنان در گروه همسران سرزنده، از تمام گروه‌ها بیشتر است زیرا اضطراب و اجتناب شوهران آن‌ها از دیگران کمتر است. نتایج نشان داد که مدلی که در آن ابعاد دلبستگی خود و همسر بر

شوهر، کم بوده و هر دو ایمن هستند. در گروه همسران راضی، اضطراب دلبستگی زن تا حدی بالا و اجتناب دلبستگی او پایین است در حالی که هم اضطراب و هم اجتناب دلبستگی شوهران، پایین است. بنابراین گروه همسران راضی گروهی هستند که سبک دلبستگی زن، به سبک دلبستگی دل‌نگران نزدیک بوده و سبک دلبستگی مرد، ایمن است. در گروه زن ناراضی، اضطراب و اجتناب دلبستگی زن تا حدی بالا است در حالی که هم اضطراب و هم اجتناب دلبستگی شوهر پایین است. به بیان دیگر در این گروه، سبک دلبستگی زن به سبک دلبستگی اجتنابی بیمناک نزدیک بوده و سبک دلبستگی مرد، ایمن است. در گروه همسران درمانده، اضطراب و اجتناب دلبستگی در هر دو همسر نسبتاً بالا است. به عبارت دیگر در گروه همسران درمانده، سبک دلبستگی هر دو همسر به سبک دلبستگی اجتنابی بیمناک نزدیک است. بنابراین سبک دلبستگی، رضایت زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تحقیقات نیز نشان داده که همسرانی که هر دو ایمن هستند در مقایسه با همسرانی که یکی یا هر دو ناایمن هستند، سازگاری بیشتری دارند (۴). در این پژوهش نیز همسران سرزنده زوج‌هایی بودند که سبک دلبستگی هر دو ایمن بود. بن‌آری و لاوی<sup>۱</sup> نیز نشان دادند که در همسرانی که هر دو ایمن هستند، هر دو همسر از کیفیت رابطه‌ی بالاتری برخوردارند (۴۲) در گروه همسران راضی، سبک دلبستگی مرد ایمن است. در این گروه اجتناب دلبستگی زن کم و اضطراب دلبستگی او تا اندازه‌ای بیشتر است. به گفته‌ی شن<sup>۲</sup> و شیور، اضطراب تا حدی باعث می‌شود فرد به ابعاد عاطفی و علاقه و صمیمیت، اولویت بدهد (۱۳) هم‌چنین اضطراب دلبستگی باعث می‌شود که زن ابراز نیاز یا احساس آسیب‌پذیری خود را به شوهرش منتقل کند (۱۰،۱۱) و از آن‌جا که در این گروه، شوهر ایمن است برای همسرش در دسترس بوده و به او پاسخگو است. در گروه زن ناراضی، با آن که شوهر ایمن است ولی اضطراب و اجتناب دلبستگی زن تا حدی بالا است. این باعث می‌شود که نه تنها زن نسبت به در دسترس نبودن شوهر و ارزش شخصی خود

<sup>۱</sup>Ben-Ari and Lavee<sup>۲</sup>Schen<sup>۳</sup>Jahonson

ترتیب اجتناب دلبستگی که با راهبرد نافع‌سازی همراه است باعث می‌شود که فرد، افکار و هیجانات مربوط به دلبستگی را سرکوب کند و خاطرات را واپس بزند زیرا احساس می‌کند که همسرش نمی‌تواند نیازهای دلبستگی او را پاسخ دهد و رضایت زناشویی او کاهش می‌یابد. به همین دلیل از همسر و دیگر محرک‌های مربوطه، فاصله گرفته و وابستگی خود را به همسر کم می‌کند.

این پژوهش بر روی همسران شهر اصفهان انجام گرفته و برای اطمینان بر تعمیم این نتایج پیشنهاد می‌شود که در مناطق دیگر نیز تکرار گردد. یکی از محدودیت‌های این پژوهش آن بود که ابعاد دلبستگی تنها با یک روش سنجش، یعنی پرسش‌نامه بررسی شده است. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران علاقه‌مند علاوه بر پرسش‌نامه از مصاحبه نیز سود جویند و پژوهش‌های دیگری را در خصوص قدرت پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ابعاد دلبستگی همسران انجام دهند. نکته‌ی جالب توجه آن که در این پژوهش، افرادی که سبک دلبستگی آن‌ها به اجتنابی بی‌تفاوت نزدیک باشد یعنی اجتناب آن‌ها بیش از اضطراب‌شان باشد یافت نشد. این مسئله می‌تواند به این دلیل باشد که چنین افرادی نسبت به دیگران راحت‌تر رابطه‌ی زناشویی را ترک گفته و جدا می‌شوند. با این حال پژوهش‌های بیشتر و گسترده‌تر می‌تواند به بررسی ثبات و رضایت زناشویی این افراد کمک کند.

#### نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت رضایت زناشویی، برآیندی از ارزیابی ذهنی فرد از زندگی زناشویی او است که تا حد زیادی تحت تاثیر سیستم دلبستگی خود و همسرش است. در بررسی رضایت زناشویی بر اساس نتایج این مطالعه بایستی هم دلبستگی فرد و هم دلبستگی همسر لحاظ شود.

رضایت زناشویی تاثیر دارد می‌تواند بخش عمده‌ای از واریانس رضایت زناشویی زن و شوهر را تبیین کند. این یافته با مبانی نظری دلبستگی که دلبستگی را عاملی مهم در تبیین روابط نزدیک بزرگسالی می‌داند هم‌خوان است. هم‌چنین نتایج نشان داد که ابعاد دلبستگی زن به طور معنی‌داری باعث کاهش رضایت زناشویی او می‌شود و اجتناب دلبستگی شوهر نیز رضایت زناشویی زن را کاهش می‌دهد درحالی که اضطراب دلبستگی شوهر تاثیر معنی‌داری بر رضایت زناشویی زن نداشت. در این بین تاثیر اجتناب دلبستگی خود زن بیش از تاثیر دلبستگی شوهرش بود. چنین نتایجی در مورد رضایت زناشویی شوهر نیز به دست آمد. پژوهش‌های مختلف نیز نشان داده است که در زمینه‌ی رابطه‌ی دلبستگی و رضایت زناشویی، جنسیت نقش ندارد (۱۱،۱۵). هم در زنان و هم در شوهران، ابعاد دلبستگی خود فرد باعث کاهش رضایت زناشویی او می‌شود. به گفته‌ی شن و همکاران دلبستگی ناایمن با گزارش رضایت زناشویی پایین ارتباط دارد زیرا ارزیابی آن‌ان از ارتباط، واکنشی نسبت به رفتار اخیر همسرشان است (۱۳). هم‌چنین بر اساس نظریه‌ی دلبستگی بزرگسالان (۱۰،۱۱) اضطراب دلبستگی با راهبرد بیش‌فعال‌سازی و اجتناب دلبستگی با راهبرد نافع‌سازی سیستم دلبستگی رابطه دارد. به عبارت دیگر ناایمنی با یکی یا هر دو راهبرد سیستم دلبستگی مرتبط است. اضطراب دلبستگی که با راهبرد بیش‌فعال‌سازی سیستم دلبستگی همراه است باعث می‌شود که فرد به همسرش به عنوان منبع آرامش بیش از حد تکیه کند و نسبت به نشانه‌های تهدید، گوش به زنگ بوده و آن‌ها را شناسایی کند. در این حالت شک و تردید نسبت به قابلیت دسترسی و پاسخگو بودن همسر و نیز نسبت به توانایی خود برای دستیابی به حس ایمنی بیشتر می‌شود. به همین دلیل فرد احساس می‌کند که نیازهای دلبستگی او تامین نشده و احساس ناراضی می‌کند. به همین

#### References

1. Funk JL, Rogge RD. Testing the ruler with item response theory: Increasing precision of measurement for relationship satisfaction with the couples's satisfaction index. *J Fam Psychol* 2007; 21(4): 572-83.
2. White JK, Hendrick SS, Hendrick C. Big five variables and relationship constructs. *Pers Individ Dif* 2004; 37: 1519-30.

3. Custer L. Marital satisfaction and quality. In: Encyclopedia of human relationships. [cited 2009]. Available from: URL; <http://www.sage-ereference.com>. 2009
4. Cohan CL, Bradbury TN. Longitudinal studies of marital satisfaction and dissolution. In: Encyclopedia of human relationships. [cited 2009]. Available from: URL; <http://www.sage-ereference.com>. 2009
5. Lawrence E, Barry RA, Langer A, Brock RL. Marital satisfaction. In: Encyclopedia of human relationship. [cited 2009]. Available from: URL; <http://www.sage-ereference.com>. 2009
6. Fisher D, McNulty K. The mediating role played by the sexual relationship. *J Fam Psychol* 2008; 22(1): 112-22.
7. Johnson DR, Booth A. Marital quality: A product of the dyadic environment or individual factors? *Soc Forces* 1998; 76(3): 883-904.
8. Moreira JM, Bernardes S, Andrez M, Aguiar P, Moliero C, Silva MF. Social competence and adult attachment style in Portuguese sample. *Pers Indiv Dif* 1998; 24(4): 565-70.
9. Fraley RC, Shaver PR. Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Rev Gen Psychol* 2000; 4: 132-54.
10. Mikulincer M, Shaver PR. The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In: Zanna MP. (editor). *Advances in experimental social psychology*. San Diego: Academic; 2003: 152-3.
11. Mikulincer M, Shaver PR. Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. New York: Guilford; 2007: 51-2.
12. Nofle EE, Shaver PR. Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *J Res Pers* 2006; 40: 179-208.
13. Schen D, Shiver FR. [A review of adult attachment theory, psychodynamics and couples relationship]. In: Johanson SM, Whiffen VE. Attachment processes in couple and family therapy. Bahrami F. (translator). Tehran: Danjeh; 2009: 45-82. (Persian)
14. Donnellan MB, Burt SA, Levendosky AA, Klump KL. Genes, personality, and attachment in adults: A multivariate behavioral genetic analysis. *Pers Soc Psychol Bull* 2008; 34(1): 3-16.
15. Davila J, Bradbury TN. Attachment insecurity and the distinction between unhappy spouses who do and do not divorce. *J Fam Psychol* 2001; 15(3): 371-93.
16. Hollist CS, Miller RB. Perceptions of attachment style and marital quality in middle marriage. *Fam Relat* 2005; 54: 46-57.
17. Pearce ZJ. Attributions as a mediator between attachment style and couple relationship outcomes. Ph.D. Dissertation. Griffith University, 2005: 58-61.
18. Mikulincer M, Florian V. The association between spouses' self-reports of attachment styles and representations of family dynamics. *Fam Process* 1999; 38(1): 69-83.
19. Mazaheri MA. [The role of adult attachment in action marriages productivity]. *Journal of psychology* 2000; 4(3): 286-318. (Persian)
20. Wijngaards-de Meij L, Stroebe M, Schut H, Stroebe W, Bout J, Heijden P, et al. Neuroticism and attachment insecurity as predictors of bereavement outcome. *J Res Pers* 2007; 41: 498-505.
21. Rejaee A, Nayeri M, Sedaghati Sh. [Different attachment styles and marital satisfaction]. *Journal of Iranian psychologists* 2009; 3: 347-55. (Persian)
22. Rasoli Z, Farahbakhsh K. [Relationship between attachment styles and marital adjustment control source]. *Andisheh va Raftar* 1999; 4(13): 17-24. (Persian)
23. Hafezi F, Gameinegad F. [The relationship between love, positive and negative affect and attachment styles with marital satisfaction in National Drilling Company staff in Khuzestan]. *New findings in the psychology* 2010; 1(1): 41-52. (Persian)
24. Rezazadeh MR, Dadsetan P, Ejae G, Kiamanesh AR. [Relationship between attachment styles and marital adjustment in students]. *Journal of psychology* 2006; 10(4): 458-69. (Persian)
25. Aidi R, Khangani Z. [The study of satisfaction in the different attachment styles]. *Psychological journal of Tabriz University* 2006; 1(2): 165-93. (Persian)
26. Kenney DA, Kashy DA, Cook WL. *Dyadic data analysis*. New York: Guilford; 2006: 100-19.
27. Bradbury TN, Fincham DF, Beach SR. Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *J Marr Fam* 2000; 62(4): 964-80.

28. Carter B, McGoldrick M. Overview: The expanded family life cycle: Individual, family, and social perspectives. In: Carter B, McGoldrick M. (editors). The expanded family life cycle: Individual, family, and social perspectives. 3<sup>rd</sup> ed. Boston: Allyn and Bacon; 1999: 25-8.
29. Greenberg JS. Comprehensive stress management. London: McGraw-Hill Humanities; 2004: 224-5.
30. Sanaee B. [Marriage and family assessment scales]. Tehran: Besat; 2008: 41,152. (Persian)
31. Farahan H, Oreizy HR. [Advanced research methods in humanities]. Isfahan: Jihad Daneshgahi; 2005: 161. (Persian)
32. Fraley RC, Waller, NG, Brennan KA. An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. J Pers Soc Psychol 2000; 78(2): 350-65.
33. Sibley CG, Fischer R, Liu JH. Reliability and validity of the revised experiences in close relationships (ECR-R) self-report measure of adult romantic attachment. Pers Soc Psychol Bull 2005; 31(11): 1524-36.
34. Fairchild AJ, Finney SJ. Investigating validity evidence for the experiences in close relationships-revised questionnaire. Educ Psychol Meas 2006; 66(1): 116-35.
35. Botlani S. [Couple therapy based on attachment theory on satisfaction and sexual intimacy of couples in Isfahan]. MS. Dissertation. University of Isfahan, 2008: 189-90. (Persian)
36. Ghasemi V. [Structural equation modeling in social studies with application of Amos graphic]. Tehran: Jameshenasan; 2009: 129-75. (Persian)
37. Nilforooshan P. [Structural equation model of quality of marital relationship based on psychological characteristics of spouses]. Ph.D. Dissertation. Isfahan University, 2010: 152-82. (Persian)
38. Zamanimonfared A. [The relationship between marital satisfaction and the assertiveness ability]. MS. Dissertation. Tehran: University of Allameh Tabatabai, 1997: 89-92. (Persian)
39. Shabani Hesar H. [The relationship between socioeconomic status couples with life satisfaction]. MS. Dissertation. Tehran: University of Allameh Tabatabai, 1999: 177-8. (Persian)
40. Attari Y, Amanolahifard A, Mehrabizadeh M. [The relationship between personality characteristics and personal-family factors with marital satisfaction in employees of government offices in Ahwaz]. Journal of educational sciences and psychology 2006; 13(3): 81-108. (Persian)
41. Jahonson MS. [Introduction to attachment: guidance for clinicians in the recognition and reconstruction of early relationships]. Bahrami F. (translator). Tehran: Danjeh; 2008: 21-45. (Persian)
42. Ben-Ari A, Lavee Y. Dyadic characteristics of individual attributes: Attachment, neuroticism, and their relation to marital quality and closeness. Am J Orthopsychiatr 2005; 75(4): 621-31.